



فرهنگی

سمیراسیفی



از رسانه غرب تا رسانه ما

فن آوری در کنار رفاه، خدمات بهداشتی، تسهیل ارتباطات و امتیازهای دیگر، ماهیتی غفلت آفرین، فزون خواه، مصرف گرا و معناگریز به همراه دارد و نیاز جدیدی را به انسان معرفی می کند. در این میان، رسانه ها به عنوان مهم ترین ابزار فن آوری بیش ترین سهم را در فرآیند مذکور به عهده داشته اند. رسانه های غربی اصولاً ماهیتی غفلت آفرین دارند و براساس همین ماهیت نیز مخاطبان خود را به غفلت سوق می دهند. مخاطب رسانه های غربی با سپردن تمایلات خود به رسانه، هدایت خویش را از دست می دهد و همه خواسته هایش را ناخودآگاه با خواسته های رسانه تطبیق می دهد و در عین حال خویشتن را انتخابگر می پندارد؛ در حالی که رسانه بر تمامی زوایای زندگی او سایه انداخته و به انتخاب های وی جهت می دهد. نیازهای واقعی بشر در سایه این فن آوری نوین مسخ شده و جای خویش را به نیازهای کاذب می دهد: «سرعت و شتاب در رسانه و فن آوری های جدید جایی برای فراغت و آرامش و فکر به ماورای آنچه می بیند برای آدمی نگذاشته است.»^۱

درست بر عکس دستورالعمل اسلام که انسان را به تقسیم ساعات زندگی به سه بخش فرا می خواند: «یک سوم عبادت، یک سوم استراحت و یک سوم تفریحات سالم.»^۲ انسان مسخ شده توسط رسانه و فن آوری، کمال خویش را در افزایش تولید، سرعت، مصرف و نیاز و حذف

اخلاقیات و معنا از زندگی و ستیزه‌جویی در رقابت‌های ناعادلانه برای رسیدن به سود بیش‌تر به منظور رفع نیازهای آفریده شده از سوی فن‌آوری جدید می‌داند. بشر امروز با سپردن خود به موج رسانه‌ای خاص، زحمت فکر کردن را از دوش خویش برداشته و اختیارات فکری و روحی خود را به رسانه‌ها و فن‌آوری‌های نوین سپرده است. «اما در عین حال، القائات زیرکانه رسانه‌ها را حرف دل خویش انگاشته است»^۳. امروزه جوانان و نوجوانان از سنین پایین یاد می‌گیرند که ساعت‌ها وقت خود

را در کنار انواع بازی‌های رایانه‌ای و برنامه‌های صرفاً غفلت‌آفرین و سرگرم‌کننده رسانه‌ها صرف کنند. امروزه دیگر این بشر نیست که فکر می‌کند چگونه ببوشد، چگونه بخوابد و چگونه زندگی کند؛ بلکه این رسانه‌های جهانی هستند که این برنامه‌ریزی‌ها را به عهده گرفته‌اند و هر روز با دستور کمپانی‌های اقتصادی و سرمایه‌داری نظام سلطه به تغییر ذائقه‌های مخاطبان خود می‌پردازند. ژاک راشل در کتاب «جامعه تکنیک زده»^۴ به نقد فن‌آوری نوین پرداخته، اعتراف می‌کند که اینک انسان خادم و برده تکنولوژی شده است و تکنولوژی مسیر کنونی دنیا را برای آدمی هدف‌سازی می‌کند. همچنین وانبرگ در کتاب «آیا جهان یک کامپیوتر است» توضیح

می‌دهد که «معنادر جهان مدرن ناپدید گردیده و چنانچه این روند ادامه یابد، اثری از حیات باقی نخواهد ماند؛ چرا که تکنولوژی اکنون به وضعیت خطرناک و نابهنجاری تبدیل شده است»^۵. اینک آدمیان به واسطه فعالیت‌های مخرب رسانه‌ها در جهان به خودکشی دسته جمعی روی آورده‌اند. فدا کردن دست آوردهای بشری در پای فن‌آوری‌های جدید رسانه‌ای باعث شده است که نیاز به اخلاق و معنویت بیش از پیش احساس شود. رسانه‌ها به دلیل کثرت‌زا بودن ماهیتشان، آرامش‌زا

امروزه دیگر این بشر نیست که فکر می‌کند چگونه ببوشد، چگونه بخوابد و چگونه زندگی کند؛ بلکه رسانه‌های جهانی این برنامه‌ریزی‌ها را به عهده گرفته‌اند و هر روز با دستور کمپانی‌های اقتصادی و سرمایه‌داری نظام سلطه به تغییر ذائقه‌های مخاطبان خود می‌پردازند.

و تخریبگر هویت آدمی هستند. آن‌ها با فعالیت‌های ویرانگر خود مسؤولیت‌پذیری را کاهش داده و انسان‌هایی بی‌حیا، حریص و سنگدل پرورش داده‌اند که نمونه‌های فراوانی از آن را در جنگ اخیر آمریکا در عراق شاهد بودیم؛ به گونه‌ای که سربازان آمریکایی آدم‌کشی را نوعی تفریح می‌دانستند و با آرامش کامل به قتل و غارت و تجاوز می‌پرداختند. رسانه‌ها به دلیل غفلت‌آفرین بودن ذاتشان، مخاطبان خود را به حیواناتی وحشی تبدیل می‌کنند که با ظاهری آراسته اما باطنی ویران‌قدم به جامعه می‌گذارند. این حیوانات انسان‌نما از ابعاد انسانی خویش غافل هستند و فقط جنبه‌های حیوانی خود را به یاد دارند. بشر غفلت‌زده حیران‌مانند حیوانی سر به راه مسیری را که رسانه برایش ترسیم می‌کند، بدون هیچ اعتراض و مخالفتی طی می‌کند. این بشر غفلت‌زده، اصالت و گوهر وجودی خود را که همان خلیفه الهی بودن اوست، به دست فراموشی می‌سپارد و در فکر و خیال خویش جایگاهی برای انسان بودن خود قائل نیست. جریان رسانه‌ای غرب به فاضلابی روان می‌ماند که پیوستن و استفاده کردن از آن، نتیجه‌ای جز گمراهی و غوطه‌ور شدن در امیال حیوانی و شهوات نخواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. رجوع شود به مقاله «مبانی نیاز به اخلاق حرفه‌ای»، نادرپردی، برگرفته از فصلنامه پیام بیمه ایران، شماره ۱۲.
۲. امام علی (ع)، حکمت شماره ۳۹۰، نهج البلاغه.
۳. رجوع شود به کتاب «آغازی بر یک پایان»، شهید آوینی، ص ۱۲۰، مقاله نظم نوین جهانی و راه فطرت.
۴. رجوع شود به مقاله مبانی نیاز به اخلاق حرفه‌ای، نادرپردی، فصلنامه پیام بیمه ایران، شماره ۱۲، به نقل از کتاب جامعه تکنیک‌زده.
۵. همان.

جریان رسانه‌ای غرب به فاضلابی روان می‌ماند که پیوستن و استفاده کردن از آن، نتیجه‌ای جز گمراهی و غوطه‌ور شدن در امیال حیوانی و شهوات نخواهد داشت.